

Segment	C Code	C color
در هر مدرسه ای باتوجه به فضای مدرسه کار کردم. حدیث، مرصاد، شهادی منطقه ۵ و بعد اینجا، در هرکدام یک سری یادگاری گذاشتم.	طراحی بر اساس شرایط فضا	●
می دیدیم یه مسابقه ای بود، طرح همتا، یعنی مدیران مدارس میرفتند از مدارس دیگه دیدن می کردند و طرحشان را اجرا می کردند،	شایستگی های مدیر\اشتراک ایده ها و اطلاعات	●
برای در هر کلاسی طرح داده بودیم، مثلا در کلاس پنجم دو به این شکل بود، باهم بودن رمز موفقیت. این برای یه برنامه ای بود که داده بودم برای در هر کلاسی	اعتقاد به همکاری و مشارکت همه	●
زیر و رو میکنم تمامش را. یازده ماشین کامیون وسایل بدردنخور از مدرسه ریختم اداره، یعنی میرم هر مدرسه ای رو کن فیکون میکنم و...	عدم نگهداری وسایل اضافی و بدردنخور	●
میتونیم بازهم استفاده کنیم. الان اینجا دیگه کوچکترین فضاییه که من دارم، ولی از هر فضایی میشه استفاده کرد. دیگه هر جا رفتیم هم از نظر.	طراحی بر اساس شرایط فضا	●
خوب بود. می خواهم بگویم در همه جا من، الان دنبال جا هستم دیگه در اینجا. ولی شما الان بروید و این ساختمان را نگاه کنید. پونزده سال بود در این مدرسه مستقر بودند. راهرو را بروید نگاه کنید، مثل خوابگاه می ماند. در و دیوار نقاشی ندارد. رنگ ندارد. محتوا می خواهد یاد بگیرد ندارد. من تماما در این فکر هستم که اینجا را درست کنم و بعد بازنشسته بشوم.	شایستگی های مدیر\نگاه زیباشناسانه	●
من به نظرم اولین قدم مدیریت اینه که یه مدیر دستش ، دلش، قلبش پاک باشه و خدایی باشه. به نظرم در هر مدرسه ای این قدم اول باشه و اگر مدیر در این مساله خیلی دقیق باشه بقیه ی کارها هم به خوبی انجام میشه و اونوقت دیگه دورویی بازی لازم نیست در بیاره. مهم اون مالیست که این میاد توسط خودشون در دفتر نوشته میشه که چقدر بیاد و چقدر بدیم، کجا خرج کنیم.توسط خودشون. هرکاری میکنیم از همه شون امضا میگیریم. هرکاری که انجام میشه به حساب خود اون فرد واریز میشه. هیچوقت نه، خود اداره هم شفافیت رو خیلی تاکید کرده بود. همه اش واریز به حساب و از حساب واریز به حسابها میشه و طبق فاکتورهای دقیق و ...این مساله اگر در مدرسه حل بشه بقیه ی مساله ها مشکلی برای مدیر نداره و مدیر میتونه به راحتی دوست بشه با همه.	شایستگی های مدیر\شفافیت مالی	●
مالی اگر شفاف باشه دست مدیر بازه تا همه ی کارها رو انجام بده. خیلی جاها این مالی رو جدی نمی گیرن. اگر از نظر مالی شفاف باشد ارتباطش با همه خوب است. اگر از این نظر شفاف نباشد این را می خواهد سرپوش بگذارد یا مدیریتش را با خشونت پیش می برد. کار شفاف باشد مشکل خاصی ندارد.	شایستگی های مدیر\شفافیت مالی	●

●	شایستگی های مدیر\اشتراک ایده ها و اطلاعات	الان شما با من صحبت میکنید چیزی را سانسور نمیکنم. نمیگویم وای نه این را نگم و این رو بگم. تمام اطلاعاتم را با تصویر میذارم در اختیارت. چرا؟ میگم شاید شما طرحی و ایده ای از من رو بخواد جایی پیاده کنه. اگر اون طرح من رو به جایی پیاده کنی دوباره ثوابش به من برمیگرده. یعنی من هرچی دارم به دانشجو هام میگم. هرچی دارم به اون فردی که میاد میگم که شاید به راهی یا شیوه ای از من رو ببره جایی پیاده کنه و صوابش به من برگرده.
●	شایستگی های مدیر\عاشق کار بودن	مدیر واقعا باید عشق و علاقه و انگیزه داشته باشد. من الان می خواستم روزهایی که تعطیله، انگار فردی هستم که خانواده اولویت بعدی ام است. کارم اولویت اولم هست. الان پشت در همه منتظرند بیایند پیش من. از همان بچگی علاقه و انگیزه شدیدی به کار معلمی داشتم. الان هم هنوز سی و دو سال است ولی دوست دارم ادامه بدهم. هرکاری که بگوئی من در اداره انجام دادم. در دانشگاه همینطور. اون عشق است. اصلا حقوق برای من مهم نیست. بخاطر عشق و علاقه آمدم در این کار و همیشه به این ایمان داشتم که می توانم به افراد دیگری کمک کنم.
●	شایستگی های مدیر\پشتکار و جدیت داشتن	بقیه دیگه پشتکار داشته باشی، جدیت داشته باشی در کارت
●	شایستگی های مدیر\مسئولیت پذیری	مسئولیت داشته باشی. اصلا نشده تابحال غیبت کنم، دیر بیام، زود برم. نشده کارهای دیگه ام رو اولویت بذارم به مدرسه. خدای نکرده مادرم هم یک موقع هایی مریض است در غیر ساعت اداری پیگیری اش را می کنم. هر اتفاقی بیفته غیر ساعت اداری. این خیلی برایم مهم است. در این سی و دو سال حتی اگر مریض بودم باید میومدم. میگفتم الان بچه ی مردم در انتظار منه. اولیا در انتظارمند. هیچوقت مرخصی استعلاجی و اینها نداشتم.
●	هدف و چشم انداز	دوست دارم چیزهایی که در کتابها هست، آموزش و پرورش تطبیقی را گوشه ای اش را در مدرسه اجرا کنم. اگر روابطم خوب باشه، اگر بتونم امکانات مناسبی رو برای دانش آموزم فراهم کنم به چشم انداز و اون چیزی که دل من به کم آروم بشه میرسم.
●	شایستگی های مدیر\مطالعه با علاقه و هدفمند	ده تا کتاب برای منابع معرفی کردند که خیلی با علاقه خوندم. می خواندم و می دیدم چقدر خوب و کاربردی هست و گفتم مدیر بشم یا نشم اینها در محیط کاری من کاربرد داره.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\راحتی کلاس	دانش آموز وقتی در کلاس هست راحت باشه
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\دم دست بودن ابزارهای آموزشی	هم معلم و هم دانش آموز، دوره ابتدایی دوره مشاهده هست و هفتاد و پنج درصد یادگیری از طریق دیداری حاصل میشه برای همین اگر در کلاس ابزارهای آموزشی دم دست باشه در یادگیری تاثیر خیلی خوبی خواهد گذاشت،

●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق دیدن	دوره ابتدایی دوره مشاهده هست و هفتاد و پنج درصد یادگیری از طریق دیداری حاصل میشه
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\هوشمند بودن کلاسها	الان کلاسهای ما هوشمند هستند،
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\تاثیر دست ورزی از یادگیری	وقتی وارد کلاس میشی یه سری دست ورزی میان در کلاس، اینها در یادگیری تاثیر داره
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\الگو پذیری از همدیگر	دانش آموزان الگوپذیرند، از همدیگه یاد میگیرن.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق مشارکت	روش هایی که به صورت گروهی اجرا بشه، فضای کلاس مناسب باشه، یادگیری مشارکتی اتفاق میفته.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\مناسب برای فعالیت های گروهی	روش هایی که به صورت گروهی اجرا بشه، فضای کلاس مناسب باشه، یادگیری مشارکتی اتفاق میفته.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\مبلمان مناسب	کلا فضای فیزیکی از نظر نور و صندلی و میز و فضایی که کلاس داره خیلی مهمه توی کلاس
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\نصب کارهای بچه ها روی دیوار	دانش آموزان در هر سطحی که باشن، پایین بالا متوسط، اگر بالاتر برن معلم تقدیر میکنه و در طرح تشویقی امتیاز میده، جایزه دارن،
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\دست سازه های بچه ها در کلاس	بچه ها یه سری چیزا رو که خودشون درست کردن دست سازه هست برای تشویقشون توی کلاس هست،
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\معلم در نقش راهبر و راهنما	یعنی همیشه معلم راهبر و راهنما باشه کنارشون،
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\چیدمان مبلمان قابل تغییر	، اون محیط باید صندلی ها رو طوری تغییر میدن و میچینن.

●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\امکان قراردادن وسیله ی خاص هر دانش آموز در کلاس	اگر فضای کلاس از این بزرگتر بود و تعداد دانش آموزان کمتر بود ما میتونستیم برای هر دانش آموزی وسیله خاص خودش رو بذاریم، اینها جزو ایده آل هامون بود.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\بزرگ بودن کلاس	اگر بتونیم وسیله رو بیاریم سر کلاس یه نمونه میاریم در کلاس انجام میدیم و همه ی بچه ها به اون یک نمونه نگاه می کنند، اما اگر من کلاسی داشتم بزرگ و میزها به صورت گرد بود وسایل ها رو میذاشتم روی میزها تا بچه ها در این فضا خودشون دست بزنن و لمس کنن، کار، صحبت، بحث، گفتگو کنه، اونجاست که یادگیری حاصل میشه.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\گرد بودن میزها	اگر بتونیم وسیله رو بیاریم سر کلاس یه نمونه میاریم در کلاس انجام میدیم و همه ی بچه ها به اون یک نمونه نگاه می کنند، اما اگر من کلاسی داشتم بزرگ و میزها به صورت گرد بود وسایل ها رو میذاشتم روی میزها تا بچه ها در این فضا خودشون دست بزنن و لمس کنن، کار، صحبت، بحث، گفتگو کنه، اونجاست که یادگیری حاصل میشه.
●	موانع و محدودیت ها\زیاد بودن دانش آموزان	ما سعی کردیم به اون نزدیک بشیم اما به اون هدف نرسیدیم. چون اینجا مدرسه ایست که خواهان زیاد داره و ما چهل و خرده ای هستیم. خیلیه.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\آزمایشگاه و کتابخانه در کلاس	آزمایشگاه رو، کتابخونه رو، برای هر تدریسی وسیله ی آموزشی نیازه، ما علاوه بر ویدئو پروژکتور هر درسی وسایل اون درس رو هم باید آماده کنیم
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق دیدن	که علاوه بر اونکه بچه فیلم اون رو می بینن(ابزارها ور هم ببینن و کار کنن) مثلا در ریاضی ابزارهایی برای ریاضی، در فارسی ابزارهایی برای فارسی، بقیه ی درس ها، اجتماعی، علوم، همه چی. فقط آزمایشگاه نیست، محیط یادگیریه.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق مشارکت	از نظر میز و نیمکت هم اگر به صورت دایره وار باشه که بچه ها با یکدیگه تعامل داشته باشن، از همدیگه بهتر میتونن یاد بگیرن
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\معلم در نقش راهبر و راهنما	از نظر میز و نیمکت هم اگر به صورت دایره وار باشه که بچه ها با یکدیگه تعامل داشته باشن، از همدیگه بهتر میتونن یاد بگیرن، معلم میشه راهنما،
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران	الان هم ما در کلاس هامون کم دی داریم که بچه ها کتاب هایی داخل اون کمد می گذارن ولی اونقدر که منبع باید قوی باشه نیست.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\آزمایشگاه و کتابخانه در کلاس	الان هم ما در کلاس هامون کم دی داریم که بچه ها کتاب هایی داخل اون کمد می گذارن ولی اونقدر که منبع باید قوی باشه نیست.

●	شایستگی های مدیر\آشنا با نظریه ی ساختن گرایی	محتوا محتوای خوبیه،روش هایی که ما میتونیم برای این محتوا پیاده کنیم، ساختن گرایی، یعنی دانش آموز خودش دانش رو بسازه میتونیم هدایتش کنیم به این سمت و سو،
●	شایستگی های مدیر\آشنا با محتوای آموزشی	محتوا محتوای خوبیه،روش هایی که ما میتونیم برای این محتوا پیاده کنیم، ساختن گرایی، یعنی دانش آموز خودش دانش رو بسازه میتونیم هدایتش کنیم به این سمت و سو، منتها متاسفانه همان فضای فیزیکی و تعداد زیاد دانش آموزان و زمان کم کلاسها باعث میشه معلم یه موقع های خیلی زیادی متکلم وحده باشه، معلم صحبت کنه، دانش آموز شنونده باشه و اجراکننده ی بعضی سوالات رو جوابها.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق چالش	دانش آموزان با چالش هایی که برای خودشون پیش میاد، دنبال علم و اهداف کتاب هستند تا یاد بگیرن. اینها خیلی کمک کننده است.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\کتابخانه ی غنی	الان هم ما در کلاس هامون کمدی داریم که بچه ها کتاب هایی داخل اون کمد می گذارن ولی اونقدر که منبع باید قوی باشه نیست. یه سری کتاب های مرجع هستند که باید برای کلاس ها تهیه بشه که خیلی در یادگیری تاثیر داره، فقط نمی تونیم بگیریم اون دستگاه هوشمنده، فقط از طریق سی دی و اینترنت و.. است. منتها باید کتابخانه غنی باشد. یک کتابخانه ی دیگه ای هم داریم که بچه ها اگر خواستند میتونن از اون استفاده کنن، یک سری کتاب های مرجع هم هست که فقط در دفتر منه،
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از همسالان	میز و نیمکت هم اگر به صورت دایره وار باشه که بچه ها با یکدیگه تعامل داشته باشن، از همدیگه بهتر میتونن یاد بگیرن
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق کارکردن با وسایل	برای هر تدریسی وسیله ی آموزشی نیازه، ما علاوه بر ویدئو پروژکتور هر درسی وسایل اون درس رو هم باید آماده کنیم که علاوه بر اونکه بچه فیلم اون رو می بینه(ابزارها ور هم ببینه و کار کنه) مثلا در ریاضی ابزارهایی برای ریاضی، در فارسی ابزارهایی برای فارسی، بقیه ی درس ها، اجتماعی، علوم، همه چی. فقط آزمایشگاه نیست، محیط یادگیریه.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\معلم در نقش راهبر و راهنما	کلیه ی محتواهامون بر مبنای این هست که معلم راهنما باشه دانش آموز بره دنبال علم.
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\استفاده از پاسیو به عنوان کلاس علوم	سال اولی که مدیر شدم در مدرسه ای فضای مدرسه خیلی بزرگ بود، از قدیم ساخته شده بود، سالنها، راهروهای خیلی بزرگ، گلخونه، پاسیو، نورگیر، خیلی بزرگ بود، مدرسه ی حدیث. پاسیوی انجا ده سال بود که هیچکاری توش انجام نشده بود، فقط یک سری گیاهان خودبخود رشد کرده بودند. اب هم نمی دادند، یک در اهنی که اصلا باز نشده بود، من اینجا را کردم اتاق آموزشی علوم، بالاش هم باز بود و چندتا درخت داشت

●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\به مشارکت کشاندن اولیا و دانش آموزان برای آماده سازی کلاس علوم	با کمک اولیا تمام علف ها و گیاههای خودرو رو کندیم، خاک باغچه رو عوض کردیم، اون شکل قدیم دراومد که چندتا باغچه ی مجزا بوده، دوباره اونها رو زیرسازی کردیم و رنگ کردیم و با کمک خود بچه ها لونه ی پرنده ها رو گذاشتیم که با چوب ساخته بودند، زمینش را چمن کردیم و توسط اولیا دوباره گل و.. کاشته شد و شد کلاس گیاهان درس علوم، بعد هر کلاسی برای خودش گلدان داشت، اینکه بچه ها کوچک کوچک بیارن سر کلاس نور نداشته باشه، پلاستیک باشه نبود، اون محیط یک محیط یادگیری خیلی خوب بود. ما گلدانهای بزرگ رو گذاشتیم اونجا و پلاکارد کلاسها رو زدیم اونجا و اینطوری کلاسها رو جدا کردیم و هر کلاسی اون زنگ میومد و خودش میکاشت و اب میدادن و کلی لذت می بردن، روز درختکاری درخت میکاشتن، رشد گیاهها رو می دیدن، برف و بارون میومد اونجا حس میکردن، از اونجا خیلی خوب استفاده کردن
●	شایستگی های مدیر\علاقه به کار برای بچه ها در ابتدای مدیریت	انقدراونجا اتاق زیاد داشتیم که من که تازه مدیر شده بودم و خیلی دوست داشتم برای بچه ها کارانجام بدم
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\طراحی کتابخانه	یه اتفاقی داشتیم به نام کتابخانه که فضا دانش آموزان رو جذب نمیکرد، عکس همه شان هست، محیط فیزیکی بچه ها رو جذب نمی کرد. باغچه رو که درست کردیم و اسمش رو گذاشتیم باغچه ی آموزشی، اومدیم و کتابخونه رو همه ی کتابها رو ریختیم، علمی، تاریخی، مذهبی، قران همه رو جدا کردیم، اتیکت زدیم، پرده ها رو عوض کردیم و رنگ کردیم، دیوارها رو دوباره طرح های نقاشی دیگه کشیدیم، یک درختی درست کردیم و گفتیم درخت داناییه، هر بچه ای اینجا بیاد و زیاد استفاده کنه عکسش روبعنوان .. اینا! قصه ی اون رو از طریق این درخت رو توضیح میدادیم. قصه هایی که محتوای کتابهاشون بود رو بچه ها میومدن، چون محیط خیلی بزرگ بود و کسی هم نمیوند لباسهاشون رو درمیآوردن، قصه ی کتاب رو به صورت نمایشی اجرا میکردن، کارهای علمی انجام میدادن، یعنی محیط طوری شد که، ما هر اتفاقی رو در هرجایی درست میکردیم، اونجا رو افتتاح هم میکردیم، یه کلاسی رو میآوردیم کلاس به کلاس افتتاح میکردیم، روی میزها گلدون گذاشتیم، فضای سبزش رو درست کردیم یک کتابخانه ی واقعا برای دوره ی ابتدایی تک بود این چیزی که ما درست کردیم،
●	شایستگی های مدیر\استفاده از متخصصین طراحی	ما این کارها رو با کمک مهندسها انجام میدادیم، میومدیم طراحی میکردیم و تری دی نقشه رو می کشیدیم و بعد پیاده میکردیم،

●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\طراحی اتاق جغرافیا	<p>اتاق دیگه ای بود میگفتن اینجا اتاق جغرافیاست، ولی اونقدر که جذابیت داشته باشه نبود، ما این کارها رو با کمک مهندسه‌ها انجام میدادیم، میومدیم طراحی میکردیم و تری دی نقشه رو می‌کشیدیم و بعد پیاده میکردیم، گفتیم یک دیوار بشود اقیانوس ها و دریاها، چون بچه ها میخوان حفظ کنن همه اش نمیگن راست چی بود چپ چی بود، هربار بیاد در اتاق جغرافیا بشینه این رو می بینه، وقتی می بینه دیگه نیازی به حفظ کردن نیست، روبروش کشور ایران و استانها رو گذاشتیم، تلسکوپ گذاشتیم، کره زمین به تعداد بچه ها گذاشتیم، پرچم تمام کشورها رو گذاشتیم، تمام نقشه هایی که نیاز بود رو گذاشتیم و شد اتاق جغرافیا، محیط یادگیری ببینید چقدر تاثیر داره، معلم و دانش آموزها وارد اونجا می شدند بالایش هم منظومه ی شمسی بود و چراغهایش هم روشن میشد، برای دانش آموزان چهارم، پنجم، ششم خیلی خوب بود، کلاسی که از نظر رنگ و نور و در و دیوار و طراحی ها یک کلاس خیلی خوبی بود.</p>
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق دیدن	<p>چون بچه ها میخوان حفظ کنن همه اش نمیگن راست چی بود چپ چی بود، هربار بیاد در اتاق جغرافیا بشینه این رو می بینه، وقتی می بینه دیگه نیازی به حفظ کردن نیست،</p>

●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\طراحی اتاق مدیریت احساسات	<p>، من در سایتهای خارجی سرچ میکردم دیدم اتاقی هست آنجا به نام اتاق مدیریت احساسات، و چون مدرسه پسرانه بود دیدم بعضی از بچه ها انقدر خشن و پرخاشگر هستند در حیاط مدرسه سرشون رو میزدن به دیوار، ما اینها رو آوردیم، نازشون رو میکشیدیم و صحبت میکردیم، گفتیم اتاقی رو درست کنیم که، حیاطمان دو قسمت بود، دوره اول یه طرف و دوره دوم یه طرف دیگه، یعنی اینها اصلا باهم برخوردی هم نداشتند، باتوجهذبه سرچ ها گفتم اتاقی درست کنیم که بچه ها رد ارامش دعوت کنیم، این رو کردیم اتاق مدیریت احساسات، کلی بروشور و قیافه ی خندون و غمگین و.. درست کرده بودیم و نشون میدادیم به بچه ها و میگفتیم شما کدوم یکی از اینهایید؟ اتاق همه چیزش سفید بود با یک صندلی راک که بچه ها تکیه می خوردند تا تکانش هاشون کنترل بشه، با یک اسپینر، دستشون میدادیم و تکیه میدادند، اونجا یک کتابخونه ی کوچیک زده بودیم و قفسه ای گذاشته بودیم از انواع ابزارها استفاده کرده بودیم برای صحبت با بچه ها، ارگ گذاشته بودیم موزیک می زدند، بازی گذاشته بودیم بازی میکردند، توپ بسکتبال گذاشته بودیم می انداختند چندتا، از این چیزهایی که روی زمین می گذاشتیم لی لی بازی کنند، می داشتیم نقاشی بکشند، یعنی اونجا بچه ازاد بود با یک مربی. حالا مربی از روانشناسهایی که دانشجویهای من بودند از دانشگاه آمده بودند یا از مادران و اولیا روانشناس استفاده میکردیم، خودم هم یک موقع هایی میرفتم، میخوام بگم در اون محیط بچه ها برمیگشتند به حالت خونه شون، استرسشون کم میشد، یه مقدار توی اون اتاق باهم کار میکردیم تا ایشون رو به ارامش دعوت میکردیم و میفرستادیم سر کلاس. بچه ها پرخاشگر که احساساتشون رو نمیتونستن کنترل کنن</p>
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\استفاده از متخصص روانشناس	اونجا بچه ازاد بود با یک مربی. حالا مربی از روانشناسهایی که دانشجویهای من بودند از دانشگاه آمده بودند یا از مادران و اولیا روانشناس استفاده میکردیم
●	اقدامات مدیر برای طراحی مشارکت کشاندن اولیا و دانش آموزان برای آماده سازی کلاس علوم	اونجا بچه ازاد بود با یک مربی. حالا مربی از روانشناسهایی که دانشجویهای من بودند از دانشگاه آمده بودند یا از مادران و اولیا روانشناس استفاده میکردیم
●	شایستگی های مدیر\مواجهه دوستانه با مقاومت بچه ها	محیط این مدرسه هم اوایلش خیلی دانش آموزان خصوصا پایه ی ششمی ها میخواستن مقاومت کنن در مورد این چی و اینا، ولی این دوستانه برخورد کردن ما، روابط خوب ما، به ارامش دعوت کردن ما با صحبت در کلاسها که دانش آموزان چکار کنند در این محیط دیگه اخت پیدا کرد

●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\ایده پردازی برای حیاط مدرسه	الان ما اینجا چون حیاط مدرسه مون کوچیکه من هر قدر فکر کردم دیدم حیاط رو که نمیتونم بزرگ کنم ولی دوتا دیوار سفیده، خیلی بلند، برای ساختمان بغلیه، من مثلاً نشستم فکر کردم با خودم گفتم این رو من اگر بتونم به شکل باغ رنگ آمیزی کنم بچه ها که وارد مدرسه میشن، اینها طرح های منه، چون تازه اومدیم اینجا، اگر بتونیم کامل کنیم اون دوتا دیوار رو، زمینش رو چمن کنیم، بغلش رو سکو کنیم که بچه ها میخوان بشینن
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\توجه به مهم بودن پله ها در مدرسه	الان پله ها رو لرزگیر زدیم چون این مدرسه مبناش همین پله هاست، چون سه طبقه است سالن راهرو حیاط بزرگ نداره، فقط طبقات رو میرن بالا میان پایین،
●	شایستگی های مدیر\شناخت نظریات یادگیری	فقط ساختن گرایبی نه، رفتار گراها، شناخت گراها هستن، شناخت گراها همون ساختن گراها میشن، رفتار گراها اون چیزهایی که دانش آموز میتونه از اونها الگوبرداری کنه. اینجا هم داریم یه سری کارها رو انجام میدیم.
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\طراحی اتاق بخاطر نیاز بچه ها	نه چون اونجا پسرانه بود و اونجا بیشتر نیاز بود انجام دادم
●	موانع و محدودیت ها\کمک اولیا برای مسائل عمرانی	بیست میلیون لرزگیر پله زدیم، بیست میلیون منبع آب رو تعمیر کردیم.
●	شایستگی های مدیر\جلب همکاری اولیا با انرژی مثبت	اولیا هم دوست دارن بچه هاشون یاد بگیرن. بستگی به اون انرژی ای داره که از مدیر میگیرن، الان مثلاً اینجا چند روز پیش اومدن کارنامه گرفتند و بعد یک کمکی انجام دادن، ما سریع، نزدیک بیست میلیون لرزگیر پله زدیم، بیست میلیون منبع آب رو تعمیر کردیم.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق دیدن	بله ببینید روی فضا که کار کردیم فضای دیوار داره یاد میده بدون اینکه معلمی بالای سرشون باشه. این در واقع همون الگوبرداری میشه و
●	شایستگی های مدیر\به دنبال انجام کار در مدرسه	من نزدیک چهارشنبه سوری بود این باغچه رو درست کردیم، من یادمه هیچکاری توی خونه نکرده بودم، الان هم مثلاً تازه اومدن این لرزگیر رو زدن همه اش میگفتم برم ببینم، همه اش دنبال اینم که یه کاری توی مدرسه بشه.
●	شایستگی های مدیر\ارتباط خوب با معلم ها	بین اینجا با معلمها هم خیلی صحبت میکنم، روابطم با معلم ها خیلی خوبه، چیکار باید بکنن، چطوری توی دل بچه ها ارتباط برقرار کنن، چطور با بچه ای چطور صحبت کنند، همینطور با بچه ها، همینطور با کارکنان، تمام وقتمون بر اینه که ببینیم چکار کنیم که این ارتباطات خوب بشه.

●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\فضای آرامش دهنده	آگاه آرامش رو بده به بچه همون فضا باعث یادگیری محتوا بشه همون فضا، بعد باعث تغییر در رفتارش بشه میشه یادگیری،
●	اقدامات مدیر برای طراحی فضا\استفاده از فضای باز برای بازی های فکری	بعد یه محیطهای بازی رو ما برای بچه ها درست کردیم، حیاط مدرسه توی مرصاد زمین چمنه، بچه ها بازیهای فکری میاوردن، برای کنترل خشم اینها میگفتیم بچه ها بازی فکریهاتون رو بیارید بشینیم روی چمن بازی کنیم، مینشستن شطرنج و کارت و فوتبال نشسته باهم بازی میکردن، دیگه همدیگه رو کتک نمیزدن.
●	شایستگی های مدیر\ارتباط خوب قوی با دانش آموزان	برای یه خانم دانش آموزان ششصد نفر رو پسر اندازه ی خودم بخواد کنترل کنه خیلی سخته، ولی انقدر ارتباط قوی بود میخواستن پیام بغلم میگفتم نه وایستید ای وای. اینقدر که من رو دوست داشتن کم مونده بود بیان بغلمونم بکنن ولی میگفتم نه، شما اقایید.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\فضا سبب رفع اختلالات روانی	خلاصه میخوام بهتون بگم محیط خیلی میتونه باعث یادگیری بشه توی اون محیطی که دانش آموزان مشغول یادگیری و تکاپو و اینها هستند بقیه که یه مقدار حالت افسردگی، اختلال در خانواده، کمبود اقتصادی دارن میان در این فضا الگو می پذیرن قاطی اینها میشن و اون برابری ایجاد میشه یواش یواش.
●	"کودکان چگونه یاد میگیرند" از نگاه مدیران\یادگیری از طریق دیدن	به نظر من فضا جزوی از یادگیریه، شاید یه موقعی دانش آموز رو میبریم، رصدخانه، اصلا لازم نیست ما بخواهیم حرفی بزنینم. بچه در ان فضا یاد میگیره، یا یک تلسکوپ رو میدیم دستش میشینه نگاه میکنه، میکروسکوپ رو میدی دستش میشینه برگ رو نگاه میکنه. به نظر من که خیلی مهمه مخصوصا توی دوره ی ابتدایی.
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\فضای یاددهنده	به نظر من فضا جزوی از یادگیریه، شاید یه موقعی دانش آموز رو میبریم، رصدخانه، اصلا لازم نیست ما بخواهیم حرفی بزنینم. بچه در ان فضا یاد میگیره، یا یک تلسکوپ رو میدیم دستش میشینه نگاه میکنه، میکروسکوپ رو میدی دستش میشینه برگ رو نگاه میکنه. به نظر من که خیلی مهمه مخصوصا توی دوره ی ابتدایی.
●	اهمیت نقش مدیر	به نظر من نقش مدیر در هر مدرسه ای خیلی مهمه. من میگم توی حدیث این کار رو کردم، الان باید برگردم ببینم اون باغچه به همون روشی که من گذاشتم مونده یا نه. یا توی مرصاد توی منطقه یدونه اتاق بود اتاق ما، این رو نگهداشته یا گفته نه این زیاد ضروری نیست و بردارم دفتر معلم کنم؟ این خیلی مهم است دیگه که آیا اون کاری که ما انجام دادیم همان مدیر هم نظرش این بوده یا اینکه صندلی راک من رو برداشته و انداخته توی انباری و گفته این چیه؟
●	ویژگی های محیط یادگیری از دید مدیران\فضای یاددهنده	اگر همه در کنار همدیگر باشند، معلم های باتجربه وقتی صحبت می کنند معلم های کم تجربه هم استفاده می کنند و یادگیری آنجا هم حاصل می شود.

●	شایستگی های مدیر\توجه به ضرورت ها	اتاق معلم داشتیم در پایین. بعضی از معلم ها زنگ دوم می رفتند در آن اتاق و بعضی هاشان هم نمی رفتند. یک موقعی من میرفتم می دیدم دانش آموز رفته در آن اتاق آب را باز کرده و کثیفکاری شده و تا معاون بیاید کنترل کن. خب دیدیم که زیاد ضروری نیست، پایین هم داریم این اتاق را. اگر همه در کنار همدیگر باشند، معلم های باتجربه وقتی صحبت می کنند معلم های کم تجربه هم استفاده می کنند و یادگیری آنجا هم حاصل می شود. بنابراین گفتیم این اینجا نباشه و بجاش اتاق آرامش باشه. اینطور نبود که اتاق معلم نداشته باشیم. دفتر من، دفتر معاون آموزشی، دفتر معاون اجرایی هم جدا بود.
●	شایستگی های مدیر\معلم قوی	در معلمی هم خیلی قدر بودم. دائم به معلمهای دیگه درس میدادم. هم در دانشگاه درس میدادم هم در منطقه. دائم در غیرانتفاعی ها میرفتم درس میدادم به معلم ها. در غیرانتفاعی ها به معلم ها درس میدادم. در دانشگاه هم که تدریس میکردم.
●	شایستگی های مدیر\اشراف به داشته های مدرسه	در مدرسه هم آمدم همه چیز را ریختیم بیرون و نگاه کردیم. من میدانم چه داریم. دیگر اگر چیزی لازم بشود نیازی نیست که بخریم و می گویم داریم مثلا. اگر نداشتیم می خریم
●	اگر من طراح بودم ...	در معماری نمی توانم چون اینجا مدرسه ی دولتیست ولی اگر خودم مدرسه داشتم میادم بر اساس نظریه ها درست می کردم. ولی دیگه همسرم اجازه نمیده. اما اگر خودم زمینی داشتم و می خواستم کلاسی رو طراحی کنم، از هر پایه ای یک دونه رو طراحی میکردم، هر کلاسی به چه چیزهایی نیاز داشت طراحی می کردم. حیاط، آزمایشگاه، کتابخانه، چه وسیله بازی ای نیاز داشتند
●	موانع و محدودیت ها\مدیر عمرانی	وقتی در تمام مشکلات اینها میرم برای خود من هم سخت است. یعنی دائم مثل یک آتش نشان که دکه رو میزنن، میگه آی این اتفاق افتاده ضروریه، منبع ترکیده، شوفاز خراب شده، پله برای بچه مشکل داره و ... یعنی هم باید به فکر اینها باشم و هم به فکر اونها. خیلی برای خودم سخته.
●	مشارکت اولیا در تامین فضا	با مشارکت خود اولیاست. گاهی خودشان می گویند رنگ میخریم و خودمان میزنیم. یکی نجار بود خودش چوب میاورد و انجام میداد. باغچه ی آن مدرسه را یکی از والدین که دکتر بود درست کرد. تمام گیاهان را خودش آورد.
●	شایستگی های مدیر\استفاده از متخصصین طراحی	طراحی فضا را با کمک متخصص ها انجام دادیم. ایده رو میدادم، اولیایی داشتیم که معمار بودند و می آمدند ۳D طرح ها را می کشیدند و بعد من میگفتم اینها جابجا شوند. می آمد و تغییر میداد و آن را پیاده میکردیم. یعنی با کمک خود اولیای متخصص.
●	شایستگی های مدیر\روابط عمومی قوی	روابط عمومی خیلی عالی و ارتباط

●	شایستگی های مدیر\انجام کارها برای خدا	<p>هروقت به فرد مشکل داری برمیخورم می گویم این را خدا فرستاده تا من بهش کمک کنم. هیچوقت نمیگم آی نه وقت نگذارم، کار دیگه ای دارم و ... مطمینم خدا او را فرستاده و حکمتی هست که اینجاست و سعی میکنم مشکلت رو حل کنم و هرکاری از دستم بریاد انجام بدهم. سرم درد میکنه که برم دنبال این کارها و لذت میبرم از این کار. این یک ویژگی مهم است</p>
●	هدف و چشم انداز\اجرای آ.پ تطبیقی	<p>دوست دارم چیزهایی که در کتابها هست، آموزش و پرورش تطبیقی را گوشه ای اش را در مدرسه اجرا کنم. اگر روابطم خوب باشه، اگر بتونم امکانات مناسبی رو برای دانش آموزم فراهم کنم به چشم انداز و اون چیزی که دل من یه کم آروم بشه میرسم. بگن نه اینهمه میگن توی ایران چنین چیزی نیست بگم نه، چه فرقی داره، مگه اونجا چی داره که اینجا نمیتونه به اون برسه. چه پولی هست؟ چه چیزی هست که فنلاند میتونه این کار رو بگنه و من نمیتونم؟ من میخوام این مرزها از بین بره . اون مهارتهای زندگی و استعدادیابی و زندگی کردنی که در اون مدرسه دارن میگن، اینجا هم همین باشه. اگر همه به این فکر باشند ... الان اولیا میان میگن خانم شما چقدر مهربونی، اون مدرسه انقدر با خشونت با بچه برخورد میکرد. چرا؟ اون یک بچه است، شما داری شخصیت و آینده اش رو میسازی. چرا باید ... بچه میفهمه. اگر دوست باشی باهش، درسته سخته اما سختی رو برای خودت بخواه، چرا برای بچه؟ که اولیا جرات نداشته باشه بیاد داخل مدرسه، بچه جرات نداشته باشه بیاد توی دفتر.</p>